

سویه‌ها

مطالعه‌ای در فلسفه هگل

تألیف آدورنو

ترجمه محمد مهدی اردبیلی، حسام سلامت

یگانه سویی



Adorno, Theodor W

سرشناسه: آدورنو، تئودور دبلیو، ۱۹۰۳ - ۱۹۶۹ م.
عنوان و نام پدیدآور: سوبه‌ها: مطالعات در فلسفه هگل/تئودور آدورنو؛ ترجمه محمد مهدی اردبیلی، حسام سلامت، یگانه خویی.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۳۷۸۴۳۱۵-۹۷۸۶۰۰۳۷۸۴۳۱۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Zur Metakritik der Erkenntnistheorie; Drei Studien zu Hegel.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتاب‌نامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: هوسرل، ادموند، ۱۸۵۹ - ۱۹۳۸ م.

Husserl, Edmund

موضوع: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰ - ۱۸۳۱ م.

Hegel, Georg Wilhelm Friedrich

موضوع: پدیده‌شناسی - تاریخ

Phenomenology -- History

موضوع: شناخت (فلسفه) - تاریخ

Knowledge, theory of -- History

شناسه افزودن: اردبیلی، محمد مهدی، ۱۳۶۱ -، مترجم

شناسه افزودن: سلامت، حسام، ۱۳۶۱ -، مترجم

شناسه افزودن: خویی، یگانه، ۱۳۵۸ -، مترجم

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۲۷۲۱۴

این کتاب ترجمه فصلی است از:

Zur Metakritik der Erkenntnistheorie

Drei Studien zu Hegel

Theodor W. Adorno

© Suhrkamp Verlag Frankfurt am Main 1970.

All rights reserved by and controlled through
Suhrkamp Verlag Berlin.

© حق چاپ این کتاب را انتشارات زورکامپ
به انتشارات ققنوس واگذار کرده است.
تمام حقوق محفوظ است.



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقصاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش آناهیتا و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

تئودور آدورن

سویه‌ها

مطالعه‌ای در فلسفه هگل

ترجمه محمد مهدی اردبیلی، حسام سلامت، یگانا خیر

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۷

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۵ - ۴۳۱ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISSN: 978-600-278-431-5

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه مترجمان
۱۵	سویه‌ها: مطالعاتی در فلسفه‌های
۷۳	ارجاعات آدورنو
۷۵	یادداشت‌های مترجمان
۱۱۳	منابع مترجمان
۱۱۵	واژه‌نامه سه‌زبانه آلمانی-انگلیسی-فارسی
۱۱۹	نمایه

مقدمه مترجمان

نجاتِ هگل — و تنها نجات، و نه احیا، است که درخورِ اوست — بدین معناست که با فلسفه او آنجایی که از همه دردناک‌تر است طرف شویم و حقیقتِ آن را بجایی که حقیقتش آشکار است بیرون بکشیم. آدورنو، «محتوای تجربی فلسفه هگل»

۱
تئودور آدورنو در ۱۴ نوامبر ۱۹۵۶، به مناسبت چهارمین سالمرگ هگل، در دانشگاه آزاد برلین سخنرانی‌ای ایراد کرد که بنا بود به ابعاد و سویه‌های فکری هگل اختصاص داشته باشد. اما موضوعات و مسائلی که آدورنو مد نظر داشت گسترده‌تر از آن بود که بتوان همه را در یک سخنرانی پیش کشید. از همین رو، چنان‌که خود می‌گوید، چیزی جز مضمون اصلی بحثش را در آن سخنرانی مطرح نکرد. دیگر مسائل و موضوعات، در همان ایام، در قالب درسگفتاری رادیویی ایراد شد. از آن‌جا که مباحث سخنرانی دانشگاهی و درسگفتار رادیویی عمیقاً به هم ارتباط داشتند و «یک کل واحد فهمیده می‌شدند» (Adorno, 1994, xxxii)، آدورنو مضامین این دو را، به علاوه «اضافات مهم»، در قالب تک‌نگاری‌ای با عنوان «سویه‌های فلسفه هگل»^۱ گرد

هم آورد. کتاب حاضر در واقع ترجمه همین تکنگاری است که خود، یک بار، ذیل همین عنوان مستقلاً در سال ۱۹۵۷ از سوی انتشارات زورکامپ منتشر شد. آدورنو چند سال بعد، «سوبه‌های فلسفه هگل» را در کنار دو جستار دیگر، که مستقیماً به هگل مربوط می‌شد، یکی «محتوای تجربی فلسفه هگل»^۱ (۱۹۵۸) که نسخه بسط‌یافته سخنرانی‌اش در انجمن آلمانی هگل بود، و دیگری، «اسکوئینوس»^۲ یا چگونه هگل بخوانیم» (۱۹۶۲-۱۹۶۳)، در کسوت کتبی مستقل، سه مطالعه در باب هگل،^۳ در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد. ترجمه فارسی «سوبه‌های فلسفه هگل» نخست از روی تنها نسخه انگلیسی موجود انجام گرفت. ما در ابتدا بنای کار را بر اعتماد به نسخه انگلیسی گذاشتیم، چرا که هم مترجم آن، شری وبر نیکولسن،^۴ را به واسطه کارها و ترجمه‌های پیشینش از آدورنو و دیگر متفکران فلسفه متأخر آلمان کم و بیش می‌شناختیم و هم انتشار کتاب در مجموعه معتبر، شناخته‌شده و پُرجام تفکر اجتماعی آلمانی^۵ به سرپرستی توماس مک‌کارتی، که از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا امروز تنوع گسترده‌ای از بنیادی‌ترین آثار معاصر فلسفه و علوم اجتماعی جهان آلمانی‌زبان را به انگلیسی برگردانده است، اعتماد ما را پیشاپیش جلب کرده بود که با ترجمه‌ای بی‌حاشیه سروکار داریم. به این اعتبار، تنها برای اطمینان از درستی ترجمه خودمان که در برخی جملات

1. Erfahrungsgehalt/The Experiential Content of Hegel's Philosophy

۲. Skoteinos: به معنی تیره، تاریک و مبهم؛ لقبی است که سیسرو به هراکلیتوس، فیلسوف پیشاسقراطی، به سبب مبهم‌نویسی و معماوارگی سبک وی، نسبت داده بود. آدورنو در این جستار که مشخصاً به چگونگی مواجهه با شیوه نوشتاری هگل و دشواری‌های نازدودنی آن مربوط می‌شود کوشیده است، به‌تلویح، اثر هگلی را به میراث هراکلیتی گره بزند. علاوه بر این، فلسفه هگل در بسیاری مضامین همخوانی آشکاری با تفکر هراکلیتوس دارد، از لوگوس‌محوری جهانشمول و هستی‌شناسی مبتنی بر سیلان و شدن گرفته تا هماهنگی اضداد و وحدت-در-عین-تفاوت و تفاوت-در-عین-وحدت. خود هگل نیز در در سگفتارهای تاریخ فلسفه اذعان کرده است که «هیچ جمله‌ای از هراکلیتوس نیست که در منطق خود از آن بهره نگرفته باشیم» (Hegel, 1995, 278). غیر از این‌ها، آدورنو در این جستار، «ابهام» هراکلیتی-هگلی را با «وضوح» دکارتی در تقابل می‌گذارد. از این حیث، حضور ضمنی هراکلیتوس در عنوان این جستار بی‌مناسبت نیست.

3. Hegel: Three Studies

5. German Social Thought

4. Shierry Weber NicholSEN

و بعضاً مفاهیم به نظر مبهم و تا حدی نارسانا می‌رسید خود را ناگزیر دیدیم به نسخه آلمانی اثر رجوع کنیم. به این منظور از دوستان یگانه خویی خواستیم بخش‌هایی از ترجمه ما را با متن اصلی تطبیق دهد. تطبیق دادن یکی دو پاراگراف همان و پی‌بردن به اختلافات بعضاً اساسی نسخه آلمانی و ترجمه انگلیسی همان. کار تا جایی بالا گرفت که تردید کردیم اساساً بشود به نسخه انگلیسی کتاب اعتماد کرد. برای همین بهتر دیدیم که کل ترجمه ما را با متن اصلی تطبیق داده شود و همین هم شد. یگانه خویی همه ترجمه را خط به خط خواند و خطاهای راه‌یافته در ترجمه فارسی را، تا جایی که به خطاهای مترجم انگلیسی مربوط می‌شد، تصحیح و در نهایت کل متن را بازبینی کرد.^۱ از این حیث سهم او در نسخه نهایی کار بسی بیش از ویراستاری بود است و در واقع باید او را یکی از مترجمان کتاب دانست. در آخر به توبه به همین اصلاحات و لحاظ کردن دیگر ریزه‌کاری‌ها، کل ترجمه مجدداً بازنویسی شد و نسخه حاضر به سرانجام رسید. با این اوصاف هر سه مترجم در آنچه برای تدقیق ترجمه فارسی از دستشان ساخته بود انجام داده‌اند تا مطمئن شوند که اگر تاجی بر سر ترجمه آثار فلسفی در ایران نمی‌زنند لاقلاً بوتۀ خار هم بر سرش نگذاشته باشند.

۲

ترجمه جستار آدورنو در ابتدا ادامه پروژه هگل‌پژوهی ما بود، اما خیلی زود چهره عوض کرد و به کسوت کندوکاو در آرای خرد آدورنو و خوانش انتقادی او از هگل درآمد. اگر در ابتدا هدفمان این بود که هگل را از رهگذر آدورنو بخوانیم، در ادامه کار خود را ناگزیر یافتیم که آدورنو را به میانجی هگل بفهمیم. به تعبیر روشن‌تر، در این جا مسئله بیشتر بر سر

۱. منبع انگلیسی ترجمه اولیه ما این کتاب بوده است:

T. W. Adorno (1994). *Hegel: Three Studies*, Translated by Shierry Weber Nicholsen. MIT Press.

و نسخه آلمانی اثر:
T. W. Adorno (1990). *Gesammelte Schriften Band 5*. Suhrkamp Verlag.

فهم آدورنو است تا هگل، هرچند این دو در نهایت از هم جدا نیستند و به شیوه‌ای دقیقاً دیالکتیکی همدیگر را وساطت، نفی و بازآفرینی می‌کنند. در اندیشه آدورنو نوعی تنش درونی وجود دارد که خود آدورنو آگاهانه از آن حراست می‌کند؛ تنش میان دفاع از کلیت و نقد کلیت، میان دفاع از روشنگری و نقد روشنگری، میان دفاع از عقل و سوژه مدرن و نقد سوژه و عقل مدرن، و در یک کلام، تنش میان دفاع از هگل و نقد هگل. این تنش از قضا در خود دیالکتیک هگل نیز حضور دارد و رابطه نفی و ایجاب توانان را به ذات حقیقت، به خود جوهر، و نهایتاً به بطن خود ایده برمی‌کشد. به گفته راه‌فهم آدورنو، همچون هگل، تن سپردن به این شکاف و گوش سپردن به تنش‌های درونی تفکر آدورنو است که متن را چندپاره می‌کند تا جایی که خود متن علیه خود به پا می‌خیزد. در این راه نیز آدورنو وامدار هگل است و از این جهت، و نیز از بسیاری وجوه دیگر، متفکری عمیقاً هگلی است. از سر تصادف این تنش در فرایند ترجمه فارسی نیز حاضر بوده است. کثرت مترجمان غیر از این که در عمل نوعی همکاری ایجابی یا تقسیم کار به شمار می‌رفت، در فرایند پیشروی ترجمه به منزله نوعی تنش در نهایت نازدودنی در فهم اینک ایدئالیسم آلمانی به طور عام و تفکر آدورنو به طور خاص عمل کرد. ترجمه حاضر، در واقع، حاصل گفتگوی چندساله دو مترجم اصلی بوده که تا سیزدهم امروزی گرفته شده است و تا فردا و فرداها ادامه خواهد یافت. گفتگویی سراسر انتقادی که از اختلاف در فهم خود هگل و روایت آدورنو از وی آغاز می‌شود و دامنه‌اش تا اختلاف مترجمان در فهم متفاوتشان از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه گسترش می‌یابد. احتمالاً چنین ترجمه‌ای که ردپای تنش درونی عوامل دست‌اندرکارش را با خود حمل می‌کند و هر یک از دو مترجم اصلی به وجهی از هگل نظر دارند و، از این حیث، به نوعی، نبرد هگل علیه هگل را پیش می‌برند، دست‌کم یکی از راه‌های بازنمایی نسبت پیچیده آدورنو با میراث هگلی و دیالکتیک دوری / نزدیکی توانان وی در قبال آن است.

ردپای این تنش حتی خود را در درگیری دیالکتیکی مواضع مترجمان در یادداشت‌های انتهای کتاب نیز به نمایش می‌گذارد.

۳

آدورنو زمانی دربارهٔ هگل نوشت: «در قلمرو فلسفه [های] بزرگ، هگل بی‌تردید تنها کسی است که حین مواجهه با آثار او بعضی اوقات آدمی دقیقاً نمی‌داند و نمی‌تواند قاطعانه حکم کند که سخن بر سر چیست، و تضمینی وجود ندارد که چنین حکمی اصلاً ممکن باشد» (Adorno, 1994, 89). بی‌شک این دعوی در مورد خود آدورنو نیز، همپای هگل، راست می‌آید. دشواری نثر آدورنو در اغلب مواقع سرگشته‌آور است و بعضاً خواننده را — حتی خوانندهٔ جدی و پیگیری را که با مواضع وی آشناست — مستأصل می‌کند و به این صرافت می‌اندازد که شکستش را بپذیرد و کتاب را ببندد. در این‌جا نیز به سیاق دیگر کارهای آدورنو با متنی به‌غایت شگرا و سهمگین سروکار داریم که اهم مواضع فلسفهٔ هگل را، آن‌هم در سنت انتقادی‌اش با کل سنت ایدئالیسم آلمانی، یکنفَس، بی‌آن‌که در این میان به خواننده مجال تنفس و درنگ بدهد، روایت می‌کند. اما این روایت به هیچ وجه شرح و تفسیری آموزشی برای آشنایی مقدماتی یا پیشرفته با فلسفهٔ هگل نیست. با این اوصاف، خواننده‌ای که به قصد آموختن هگل به سراغ جستار حاضر برود، احتمالاً دست خالی باز خواهد گشت. آدورنو تنها یک بار در قالب درسگفتاری که در سال ۱۹۵۸ تحت عنوان «درآمدی بر دیالکتیک» ایراد کرد به معنی دقیق کلمه هگل را درس داد (نک. Adorno 2017). وی در جستار حاضر، برحسب قرائت خاص خودش از ایدئالیسم آلمانی به طور کلی و فلسفهٔ هگل به طور خاص، آن‌هم قرائتی که به اقتضای فشرده‌گی فضای نوشتار هیچ‌گاه آن‌قدرها بسط نمی‌یابد و صرفاً به اشاره برگزار می‌شود، پاره‌ای از تعیین‌کننده‌ترین پروبلماتیک‌های فلسفهٔ هگل — و نیز دیگر فلسفه‌های ایدئالیسم آلمانی: کانت، فیشته و شلینگ — را برجسته می‌کند، و البته به سرعت از روی آن‌ها

می‌پرد، تا در نهایت گره‌گاه‌های این فلسفه را به یکدیگر وصل کند و انسجام منطقی آن و در عین حال تنش درونی‌اش را نشان دهد. با این تفصیل با متنی طرفیم که بی‌رحمانه دیریاب و خصمانه سخت‌فهم است. اما این حقیقت به جای آن‌که در حکم توجیهی برای انصراف از مواجهه با متن باشد اتفاقاً ما را به کلنجار رفتن با آن و سروکله زدن با دقایقش ترغیب می‌کند؛ دست‌کم تجربه ما چنین بوده است. از همین رو مترجمان خود را در نهایت ناگزیر دیدند که بیچ و تاب‌ها، ابهام‌ها و ارجاعات متن را برحسب فهم خود و تا جایی که توان نظری‌شان اجازه می‌دهد در قالب یادداشت‌های مختصر و مفصل، به اقتضای هر مورد، روشن سازند. هرچه باشد با جستاری سروکار داریم که اساس بر این نکته‌های آن صرفاً در حد اشارات گذرا طرح شده‌اند و اغلب ارجاعات به کانت، فیشته، شلینگ و هگل، لابد به این دلیل که اشراف خواننده بر سنت آیدئالیسم آلمانی را پیش‌فرض گرفته است، بی‌محابا به درون متن پرتاب شده‌اند. کلیه شروح و توضیحات مترجمان به دلیل اجتناب از اختلال و ایجاد سبک‌سرائت متن، نه در پاورقی، بلکه در بخش «یادداشت‌های مترجمان» در انتهای کتاب آورده شده‌اند و پاورقی‌ها صرفاً به ذکر معادل‌های آلمانی و انگلیسی رارکتان و اصطلاحات اختصاص یافته‌اند. اعداد داخل کروشه [...] به توضیحات مترجمان اشاره دارد. اعداد داخل پرانتز (...) جملگی به ارجاعات خود آدورنو مربوط می‌شوند که به انتهای متن منتقل شده‌اند و هیچ توضیحی را شامل نمی‌شوند. بلکه صرفاً منابع نقل‌قول‌های درون متن را مشخص می‌کنند. همچنین مترجمان هر جا که لازم دیده‌اند عبارات یا واژه‌هایی را درون کروشه [...] به متن افزوده‌اند. علاوه بر این، هر کجا که افزوده‌ای از مترجم انگلیسی را راهگشا یافته‌اند آن را با دو کروشه [...] از افزوده‌های خود متمایز کرده‌اند. شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی مترجمان بر اساس استاندارد APA (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) بوده است. تنها استثنا کتاب پدیدارشناسی روح است که بنا به رسم کم‌وبیش معمول، به جای اشاره به شماره صفحه به شماره پاراگراف ارجاع

داده شده است. کتاب‌شناسی کامل منابعی که مترجمان در متن از آن‌ها بهره برده و به آن‌ها ارجاع داده‌اند نیز در انتهای کتاب یافتنی است.

لازم می‌دانیم از دوستانمان حامد صفاریان، مهدی محمدی اصل و فرزاد جابر الانصار تشکر کنیم که کل ترجمه فارسی را خواندند و نکات مفید و راهگشایی را متذکر شدند.

در انتها می‌ماند توضیحی کوتاه دربارهٔ عنوان کتاب حاضر. هرچند «سویه‌های فلسفه هگل»، برای نخستین بار در قالب کتابی مستقل به زبان آلمانی منتشر شد، از آن‌جا که به عنوان نخستین مقاله از کتاب سه مطالعه در باب هگل شهادت یافته است، بهتر دیدیم عنوان کتاب حاضر را با ترکیب عنوان اصلی کتاب و عنوان مقاله اول سویه‌ها: مطالعه‌ای در فلسفه هگل بگذاریم تا هم نسبت آن با نسخهٔ منفرد اول روشن باشد و هم با مجموعهٔ منتشرشدهٔ دوم. صد البته در این میان ذوق زیباشناختی مترجمان در انتخاب عنوانی خوش‌خوراقت‌تری تأثیر نبوده است.

حسام سلامت و محمد مهدی اردبیلی

آبان‌ماه ۱۳۹۶